

سنجش وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در عصر دموکراسی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷

وحید سینائی

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

ناصر یوسف‌زهی*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۸/۱۳)

چکیده

با سقوط طالبان و برقراری ساختار دموکراتیک قدرت در افغانستان انتظار می‌رفت این کشور در پرتو توسعه سیاسی، شاهد توسعه اقتصادی باشد. این نوشتار به سنجش وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در عصر مردم‌سالاری می‌پردازد. بدین منظور، ضمن بررسی تحولات استقراری دموکراسی و برنامه‌های کلان توسعه در این کشور، از رویکردهای نظری درباره رابطه دموکراسی و توسعه و تحلیل آماری شاخص‌های توسعه اقتصادی بهره برده شده است. پرسش نوشتار معطوف به سنجش و بررسی وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در فرایند تحولات سیاسی و دموکراتیک است. بررسی ما نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ تغییر محسوسی نداشته است. این یافته‌ها مبین آن است که در جریان دموکراسی‌اسیون اقتصاد ملی افغانستان بیشتر معطوف به رشد و نه توسعه بوده است. در این کشور شاخص‌های کمی توسعه چون تولید ناخالص داخلی و شهرنشینی بهبود یافته است. اما شاخص‌های کیفی توسعه یعنی فقرزدایی، افزایش درآمد سرانه، توزیع عادلانه ثروت، توسعه انسانی و صنعت رشد چشمگیری نداشته است. از این‌رو، با توجه به حجم گسترده حمایت‌های جامعه جهانی، تلاش‌های مربوط به برقراری دموکراسی در افغانستان بنابر انتظارات مورد نظر تاکنون به بهبود شاخص‌های کیفی توسعه منجر نشده است. در واقع، در عصر پساطالبان موفقیت‌های دولت بیشتر به دموکراسی سیاسی و نه توسعه اقتصادی معطوف بوده است. بنابراین دموکراسی در افغانستان از آنجا که با پدیده‌های ناامنی، فساد اداری - مالی، تقلب/بحران انتخاباتی، اقتصاد رانته و تشدید شکاف‌های طبقاتی شهر و روستا همراه بوده، بیشتر با توسعه اقتصادی رابطه‌ای ناسازگار داشته است.

کلیدواژه‌ها

افغانستان، اقتصاد سیاسی، توسعه اقتصادی، رشد، دموکراسی.

مقدمه

دموکراسی مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین تحول سیاسی تاریخ نوین افغانستان برآورد می‌شود. پیامد آن یعنی آزادی و مشارکت، منادی دگرذیسی هویت سنتی این کشور است. متن سیاست و جغرافیای افغانستان پساطالبان توانست به وسیله آرایه‌های دموکراسی با نظم نوین جهانی پیوند خورد. دموکراسی برای غرب در برابر این کشور تعدهای بسیاری ایجاد کرد. به همین دلیل، به باور برخی پژوهشگران دموکراسی در افغانستان پدیده‌ای برون‌زا تلقی شده است. این تحول، مهم‌ترین فرصت نخبگان افغان از نظر اجماع منطقه‌ای و جهانی بر سر دموکراسی و گشودن بزرگ‌ترین گره سیاسی این کشور در فردای پس از سقوط طالبان (۲۰۰۱) برآورد می‌شود. در سطح‌های ملی و جهانی، کارویژه‌ها و هدف‌های مهمی برای دموکراسی در افغانستان تعریف شد مانند تأمین امنیت، آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی و توسعه اقتصادی. اکنون با گذشت هفده سال از آغاز فرایند مردم‌سالارسازی در افغانستان بررسی وضعیت انتظارات یادشده اهمیت یافته است. در این نوشتار وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ بررسی شده است.

مطالعه کاربردی اقتصاد سیاسی دموکراسی در افغانستان شاخص مناسبی برای نقش توسعه سیاسی (با تأکید بر دموکراسی) در توسعه اقتصادی است. البته پژوهش‌های بسیاری در خصوص سنجش رابطه دموکراسی و توسعه اقتصادی و کاربست آن در کشورهای مختلف انجام شده است؛ اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، کشور افغانستان بررسی نشده است. پرسش این نوشتار این است: در فرایند دموکراسی‌سازی (سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷)، توسعه اقتصادی افغانستان دچار چه تحولی شده است؟ بررسی ما نشان می‌دهد توسعه اقتصادی افغانستان در این دوره نتوانسته بنابر انتظارات پیش‌بینی‌شده و کمک‌های بین‌المللی و نیز امکانات ملی، پیشرفت و تغییر چندانی داشته باشد.

پیشینه موضوعی نوشتار

مسئله دموکراسی در افغانستان موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. پژوهشگرانی چون جانسون^۱ (۲۰۱۸)، مورید پرتو^۲ (۲۰۱۷)، فروزش^۳ (۲۰۱۵)، ساعی و مهدوی^۴ (۲۰۱۴)، احمدی و اسماعیل‌زاده^۵ (۲۰۱۴)، اسمیت^۶ (۲۰۱۴)، شاه^۷ (۲۰۱۲)، اسماعیلی و رضایی^۱

-
1. Johnson
 2. Murid Partaw
 3. Forouzish
 4. Sa'ie and Mahdavi
 5. Ahmadi and Isma'ielzadeh
 6. Smith
 7. Shah

(۲۰۱۰)، شفیع و اقبال^۲ (۲۰۱۰)، منوچهری و مزاری^۳ (۲۰۰۹)، تاجیک و شریفی^۴ (۲۰۰۹)، بری^۵ و گرین^۶ (۲۰۰۹)، یوسفی^۷ (۲۰۰۷)، دانش^۸ (۲۰۰۶) و بارما^۹ (۲۰۰۶) به تحول‌های مردم‌سالارسازی در افغانستان پرداخته‌اند. وجه مشترک این پژوهش‌ها بررسی میزان نهادینه‌شدن دموکراسی از راه تحلیل دستاوردها و چالش‌های آن در این کشور است. برخی پژوهشگران زاویه‌های دیگر دموکراسی را بررسی کرده‌اند. بر اساس پژوهش لارسون^{۱۰} (۲۰۱۱)، دشواری‌های بسیاری برای توسعه سیاسی در جوامع به نسبت ضد لیبرال دموکراسی چون افغانستان وجود دارد.

چنانکه اشاره شد، پژوهشگران بیشتر به مباحث سیاسی-اجتماعی دموکراسی در افغانستان پرداخته‌اند و به رابطه دموکراسی و توسعه اقتصادی، به‌عنوان محوری بنیادین، توجه اندکی داشته‌اند. البته تنها پژوهشگرانی چون ساعی و مهدوی (۲۰۱۴)، نقش توسعه‌نیافتگی اقتصادی-اجتماعی در تثبیت دموکراسی در این کشور را تأیید کرده‌اند. از سوی دیگر، این پژوهشگران برقراری دموکراسی در افغانستان را تنها راه‌حل دانسته و آن را پذیرفته‌اند؛ اما همچنان رویکردی تردیدگونه به تثبیت و دستاوردهای عینی آن به‌ویژه در حوزه اقتصادی دارند. در این نوشتار بر این نکته تأکید شده است.

مباحث نظری

مطالعات مورد رابطه توسعه و دموکراسی، پیرامون این پرسش اصلی می‌چرخد که: آیا دموکراسی شرط توسعه اقتصادی است یا فرایندهای توسعه اقتصادی پیش‌شرط دموکراسی هستند. در این باره سه رویکرد تضاد، سازگاری و نهادی قابل شناسایی هستند.

الف) رویکرد سازگاری: بنابر الگوی سازگاری، دموکراسی ابزار توسعه اقتصادی است (Weiner and Huntington, 2000: 15). طرفداران این رویکرد معتقدند که دموکراسی از راه سازوکارهایی چون تقویت اقتصاد بازار آزاد، مالکیت خصوصی و برابری به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد. بوتسوانا و مالزی نمونه بارزی برای اثبات این ادعا هستند (Arsen and Eriklin, 1999: 64-68). دموکراسی به‌عنوان مدل پیشرفته توسعه سیاسی ضمن ایجاد شرایط

1. Esma'ili and Reza'ie
2. Shafihi and Iqbal
3. Manouchehri and Mazari
4. Tajik and Sharifi
5. Barry
6. Greene
7. Yousefi
8. Danesh
9. Barma
10. Larson

باز اقتصادی عهده‌دار درجه بالایی از نظارت بر دارندگان و بازیگران اقتصادی و سیاسی نیز هست (Kingsbury, 2007: 1-6).

ب) رویکرد تعارض: بنابر الگوی تضاد، توسعه اقتصادی در توسعه سیاسی و اجتماعی نقش نخست را دارد (Moses, 2012: 125). دموکراسی به‌ویژه در دولت‌های نوپا، بی‌ثبات و توده‌ای منجر به توسعه نمی‌شود. بنابراین دموکراسی و توسعه در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. توسعه سریع در سه کشور کم‌ویش استبدادی کره جنوبی، تایوان و سنگاپور این دیدگاه را تأیید می‌کند (Arsen and Eriklin, 1999: 64-68). بدین صورت توسعه سیاسی- فرهنگی، بازتابی یک‌سویه از توسعه ساختار اقتصادی است و کشورهای پیشرفته صنعتی غیردمکراتیک نخستین در غرب الگویی برای کشورهای غیرصنعتی و درحال توسعه محسوب می‌شوند (Tajik, 1999: 114).

ج) رویکرد نهادی: تبیین‌هایی که تأثیرنداشتن نوع نظام سیاسی (دمکراتیک یا اقتدارگرا) بر توسعه را نشان می‌دهند، به‌طور معمول متغیرهای دیگری را عامل توسعه اقتصادی می‌دانند. یکی از نظریه‌پردازان معروف این رویکرد آدریان لفت‌ویچ است. از نظر وی به‌جای نوع نظام سیاسی، کیفیت و ویژگی دولت و سیاست‌های آن بر عملکرد اقتصاد ملی تأثیر بسزایی دارند. موضوع اصلی برای لفت‌ویچ تقدم نوع سیاست و ماهیت دولت به‌جای شکل حکومت در توسعه است؛ زیرا نیم بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دمکراتیک و نیم دیگرشان غیردمکراتیک هستند (Leftwich, 2006: 22). توسعه اقتصادی به ثبات داخلی، پذیرش در بازارهای بین‌المللی، استقلال نسبی دولت از طبقات، نظام اداری کارآمد، کاهش فساد، توافق میان گروه‌ها درباره توسعه و توزیع عادلانه ثروت بستگی دارد. این مسائل از کارکردهای توسعه‌ای نهاد دولت به شمار می‌آیند (Leftwich, 2006: 24-25).

تحول‌های دموکراسی و توسعه در افغانستان

رگه‌های نخست دموکراسی‌خواهی در افغانستان به اوایل سده بیستم یعنی دهه مشروطه و سپس عصر امانی (سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹) باز می‌گردد. در سه دهه نخست این قرن افغانستان شاهد مشروطیت‌خواهی یعنی حکومت محدود بود. پس از فضای بسته سیاسی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۵ گفتمان دموکراسی‌خواهی در دهه‌های آزمون دموکراسی، سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ و قانون اساسی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ تقویت شد. مردم‌سالارخواهی در دوران حکومت‌های اقتدارگرا (سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸)، سوسیالیستی (۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲) و بنیادگرا (۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱) از جامعه سیاسی این کشور رخت بریست؛ اما با برگزاری نشست بُن در ۵ دسامبر ۲۰۰۱ دوباره در دستور کار قرار گرفت (Forouzish, 2015: 137). با آغاز به‌کار

دولت موقت (۲۲ دسامبر ۲۰۰۱) و سپس دولت انتقالی (۲۱ ژوئن ۲۰۰۲) روند اجرایی شدن تعهدهای نخست دموکراسی سازی پیمان بُن، مانند کمیسیون مستقل حقوق بشر، دفتر مشترک تنظیم انتخابات، لویه جرگه اضطراری گزینش رئیس دوره انتقالی (به مدت ۱۸ ماه)، کمیسیون اصلاحات اداری و برگزاری لویه جرگه تدوین قانون اساسی جدید در دستور کار قرار گرفت (Forouzish, 2015: 132).

به درخواست دولت انتقالی برنامه مأموریت همیاری سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) در ۲۸ مارس ۲۰۰۲ راه اندازی شد. یوناما مهم ترین نهاد موجود برای ایجاد هماهنگی میان برنامه های توسعه دموکراسی در عصر پسا طالبان است (Esma'ili and Reza'ie, 2010: 130-131). در سال ۲۰۰۳ مهم ترین طرح ملی توسعه روستایی افغانستان با عنوان برنامه همبستگی ملی،^۱ توسط حکومت پی ریزی شد. این برنامه که با هدف فقرزدایی و ساخت زیربناها در افغانستان طرح و آغاز شد، تا سال ۲۰۱۶ تقریباً بیش از ۳۵ هزار روستا را زیر پوشش قرار داد (Political Assistance of Afghanistan's Finance Ministry, 2016: 4-5).

بنابر قانون اساسی دمکراتیک افغانستان (۱۴ دسامبر ۲۰۰۳)، دولت عهده دار کارکردهای اقتصادی بنیادینی چون مبارزه با مواد مخدر (ماده ۷)، حمایت از نظام بازار آزاد (ماده ۱۰)، توسعه بخش های صنعت، کشاورزی و دام پروری، بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی دهقانان، پیشه وران، دامداران، عشایر و تهیه مسکن و توزیع زمین برای افراد واجد شرایط (ماده های ۱۳ و ۱۴) شد (Ministry of Justice of Afghanistan, 2007: 460-463). بنابر ماده ۱۵۶ برای نظارت بر فرایند دموکراسی، کمیسیون مستقل انتخابات ایجاد و موظف به پاسخ گویی به همه انتخابات و همه پرسی های آینده و نیز ثبت نام افراد کاندیدا و رأی دهنده شد (Democracy International, 2011: 14).

با برگزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری در ۹ اکتبر ۲۰۰۴ و پارلمانی در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی افغانستان، جایگزین حکومت انتقالی شد. در انتخابات ریاست جمهوری حدود ۱۲،۶ میلیون نفر، ۵۲ درصد جمعیت کشور برای شرکت در انتخابات ثبت نام و از این جمعیت، ۸،۱۲۸،۹۴۰ میلیون نفر، حدود ۷۰ درصد در انتخابات شرکت کردند. ۴۰ درصد رأی دهندگان زنان بودند. اعضای پارلمان نیز از میان ۵۸۰۰ نامزد که حدود ۵۸۰ نفر زن بودند، انتخاب شدند. از مجموع ۲۴۹ کرسی، ۶۸ کرسی معادل ۲۷ درصد نمایندگان مجلس در اختیار زنان گرفت (Tajik and Sharifi, 2009: 39). نخستین دولت منتخب در مارس ۲۰۰۴ سند هدف های توسعه هزاره سازمان ملل^۲ را امضا و از آن به عنوان «سند راهبردی کاهش فقر»^۱

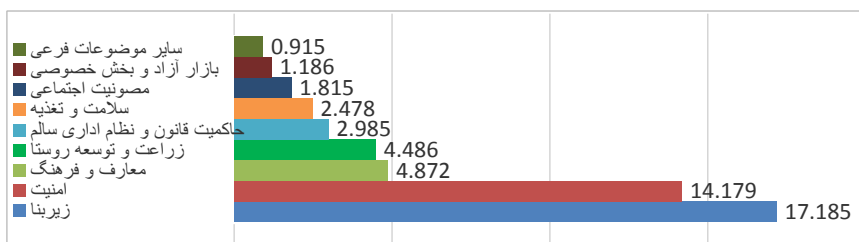
1. National Solidarity Program (NSP)

۲. سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۰ هدف های توسعه هزاره (Millennium Development Goals (MDGs)) را برای همه کشورهای جهان تعیین کرد. بحران داخلی تا سال ۲۰۰۴ مانع از سهم گیری افغانستان از این سند شد.

ملت افغانستان یاد کرد. بنابر این سند تحقق امنیت، حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی- اجتماعی از هدف‌های این راهبرد جهانی برای افغانستان بود (International Monetary Fund, 2008: i-ii).

در سطح منطقه‌ای، برگزاری نخستین نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای راجع به افغانستان (رکا)^۲ در سال ۲۰۰۵ نقطه عطف گسترش همکاری‌های تجاری این کشور محسوب می‌شود. همچنین افغانستان در سال ۲۰۰۷ به عضویت اتحادیه همکاری منطقه جنوب آسیا (سارک) درآمد (Isma'iliyan, 2015: 12). عضویت افغانستان در سارک همچون رکا نتیجه استقبال بیشتر کشورهای منطقه از دموکراسی در این کشور بود.

موافقت‌نامه لندن (ژانویه ۲۰۰۶)، پس از موافقت‌نامه بن مهم‌ترین سند توسعه‌ای بود که دولت افغانستان با جامعه جهانی امضا کرد. حکومت افغانستان بر اساس تعهدها و رسیدن به هدف‌های پانزده‌ساله توسعه هزاره و توافق‌نامه لندن راهبرد توسعه ملی افغانستان^۳ (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳) را تدوین ساخت. امنیت، حکومت‌داری، و توسعه اقتصادی- اجتماعی، به ترتیب سه رکن اصلی این برنامه پنج‌ساله با ۵۰/۱ میلیارد دلار اعتبار برآورد شدند (نمودار ۱) (Ministry of Justice of Afghanistan, 2008: 8).



نمودار ۱. سهم ارکان هشتگانه در راهبرد توسعه ملی افغانستان (میلیارد دلار)

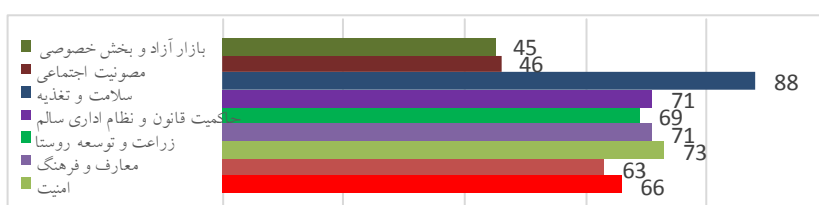
Source: Ministry of Justice of Afghanistan, 2008: 19.

دومین انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۰ اوت ۲۰۰۹ برگزار شد. از ۶ میلیون شرکت‌کننده، ۱/۵ میلیون رأی تقلبی اعلام و انتخابات به دور دوم کشیده شد (Boroujerdi Alavi and Habibi, 2014: 196-197). کاهش میزان شرکت‌کنندگان و تقلب، این دوره را از دوره نخست انتخابات جدا ساخت. دومین حکومت منتخب افغانستان برای اجرای راهبرد توسعه ملی همه

بنابراین میعاد زمانی برای رسیدن به هدف‌های توسعه هزاره برای همه کشورهای سال ۲۰۱۵ اما برای افغانستان سال ۲۰۲۰ تعیین شد.

1. Poverty Reduction Strategy Paper (PRSP)
2. Regional Economic Cooperation Conference on Afghanistan (RECCA)
3. The Afghanistan National Development Strategy (ANDS)

تلاش خود را کرد. بنابر گزارش وزارت اقتصاد افغانستان به طور میانگین ۶۶ درصد هدف‌ها و برنامه‌های این سند ملی در زمان مقرر تحقق یافته‌اند (نمودار ۲).



. درصد تطبیق ارکان هشتگانه راهبردی استراتژی توسعه ملی افغانستان ۲ نمودار

Source: Ministry of Economy of Afghanistan, 2014: 1.

دهه نخست توسعه (سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱) و سپس دوران گذار (سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) مقدمه ورود افغانستان به دهه دوم توسعه (سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴) بود. پس از بحران شش ماهه سومین انتخابات ریاست جمهوری (۱۴ ژوئن ۲۰۱۴) حکومت وحدت ملی ایجاد شد. این بحران (تقلب) مانع حکومت جدید در تعقیب سیاست‌های گذشته توسعه ملی و بسیج منابع بخش خصوصی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در اقتصاد افغانستان شد (Political Assistance of Afghanistan's Finance Ministry, 2016: 3) حکومت وحدت ملی در پاسخ به چالش‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی یعنی خروج نیروهای نظامی، کاهش حمایت‌های بین‌المللی، افزایش حمله‌های گروه‌های مخالف، فساد اداری و رکود اقتصادی، نخست، در دسامبر ۲۰۱۴ تعهد خود برای اصلاحات و بهبود از راه سند «تحقق خودکفایی: تعهدهای اصلاحات و همکاری دوباره» افغانستان و جامعه بین‌المللی را اعلام کرد. پس از این، برنامه راهبردی پنج‌ساله حکومت را (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱) با مبلغی حدود ۳/۸ میلیارد دلار و با هدف حرکت در راستای خودکفایی، حکومت‌داری و امنیت در قالب سند «چارچوب ملی صلح و توسعه افغانستان» تدوین شد (Ministry of Economy of Afghanistan, 2016: 1-2).

با پایان زمان برنامه هدف‌های توسعه هزاره^۱ و تصویب هدف‌های توسعه پایدار^۲ (۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰) توسط سازمان ملل، افغانستان نیز در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ متعهد به اجرای این هدف‌ها شد. هدف‌های توسعه پایدار در افغانستان باید در سه مرحله ملی ساختن، ترتیب و نهایی‌سازی هدف‌های توسعه پایدار، سازگار شدن هدف‌های توسعه پایدار با طرح‌ها و برنامه‌های ملی و تطبیق، نظارت و گزارش‌دهی برنامه‌های توسعه پایدار صورت می‌گرفت (sdgs.gov.af, 2015). حکومت بر اساس تعهدهای سند تحقق خودبستگی و چارچوب ملی صلح و توسعه در

1. MDGs

2. Sustainable Development Goals (SDGs)

سپتامبر ۲۰۱۵ برنامه ملی میثاق شهروندی را به عنوان سنگ بنای خودبسندگی و فقرزدایی و توسعه فراگیر روستایی و شهری و در ده سال آینده (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶) اعلام کرد. بنابر برنامه ملی پیمان شهروندی^۱ حکومت داری خوب باید در سطح محلی بهبود یابد؛ به گونه‌ای که از این سند با عنوان «راهبرد ارتباطات دولت با ملت» یاد شده است. در واقع، این میثاق تعهد دوجانبه ملی بین دولت و روستا/شهر است (Political Assistance of Afghanistan's Finance Ministry, 2016: 1-6).

ویژگی خاص دهه دوم توسعه که آن را از دهه نخست متمایز می‌کند توسعه اقتصادی از راه تجارت منطقه‌ای است. این نکته مهم‌ترین تفاوت طرح‌های توسعه‌ای حکومت سوم افغانستان (۲۰۱۴) با حکومت‌های اول و دوم (۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴) است. بستن موافقت‌نامه چابهار (۲۴ مه ۲۰۱۶)، افتتاح بندر سلما^۲ (ژوئن ۲۰۱۶)، طرح کاسا یک‌هزار^۳ (مه ۲۰۱۶)، آغاز روند عملیاتی ساختن تاپی^۴ در خاک افغانستان (۲۳ فوریه ۲۰۱۷) و امضای موافقت‌نامه راه لاجورد (۲۰۱۷)، از طرح‌های کلان منطقه‌ای با محوریت افغانستان در عصر مردم‌سالاری و در راستای توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود. در سطحی فراتر، افغانستان با عضویت در سازمان جهانی تجارت (۲۹ جولای ۲۰۱۶)، به عرصه نظم اقتصاد بین‌الملل ورود یافت. در مجموع، تحول جایگاه منطقه‌ای اقتصاد افغانستان از راه پیوستن به سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی و موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای پیرامون در کنار تدوین و عملیاتی ساختن طرح‌های توسعه‌ای در سطح ملی از وجوه مثبت و تأثیرگذار تحول‌های مربوط به مردم‌سالاری بر توسعه اقتصادی افغانستان محسوب می‌شوند.

ارزیابی شاخص‌های توسعه اقتصادی

در این نوشتار، علاوه بر شاخص‌های کلان توسعه اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، توسعه انسانی، فقر و تغییر ساختار اقتصادی، شاخص‌های خرد نیز چون صادرات و واردات، شهرنشینی و اشتغال برای سنجش بهتر وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان بررسی شده‌اند. با توجه به میزان دسترسی به اطلاعات اقتصادی و

۱. بودجه مرحله چهار سال نخست پیمان شهروندی (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰)، در حدود یک میلیارد دلار برآورد شده است.

۲. این بند ۴۲ مگاوات برق برای ۴۰۰،۴۰ خانواده روستایی تولید کرده و ۸۰ هزار هکتار زمین کشاورزی متعلق به ۵۰ هزار خانواده را آبیاری کرده است و نیروی برق را به شهر هرات فراهم می‌کند.

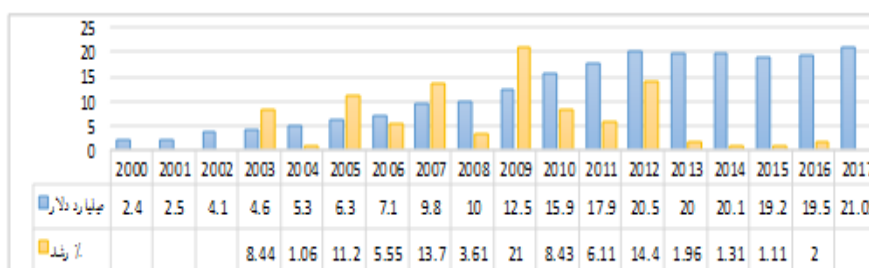
۳. طرح CASA-۱۰۰۰ نیروی برق را از قرقیزستان به تاجیکستان (۴۴۷ کیلومتر) و از تاجیکستان به افغانستان و پاکستان (۷۵۰ کیلومتر) انتقال می‌دهد. بنابر پیش‌بینی‌ها، این طرح تا پایان سال ۲۰۱۸ تکمیل می‌شود.

4. The Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India Pipeline (TAPI)

رویکردی به نسبت مقایسه‌ای، سال ۲۰۰۰ به عنوان سال پایانی نظام امارت اسلامی (و غیردموکراتیک) طالبان، مبنای تحلیل وضعیت اقتصادی افغانستان تا سال ۲۰۱۷ قرار گرفته است؛ البته با توجه به نبود برخی داده‌های آماری، به ارزیابی برخی شاخص‌ها بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ اکتفا شده است.

۱. تولید ناخالص داخلی

میزان تولید ناخالص داخلی^۱ افغانستان در سال ۲۰۰۰، ۲/۴ میلیارد دلار بوده است. این میزان تا سال ۲۰۱۰ و پس از آن، روندی صعودی داشته است. تولید ناخالص داخلی از ۱۵/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۲۱/۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسید (نمودار ۳). برقراری امنیت نسبی در سال‌های نخستین سقوط طالبان، بازگشت سرمایه‌داران افغان به کشور و سرازیر شدن کمک‌های جهانی نقش بسزایی در افزایش تولید ناخالص افغانستان داشته است.

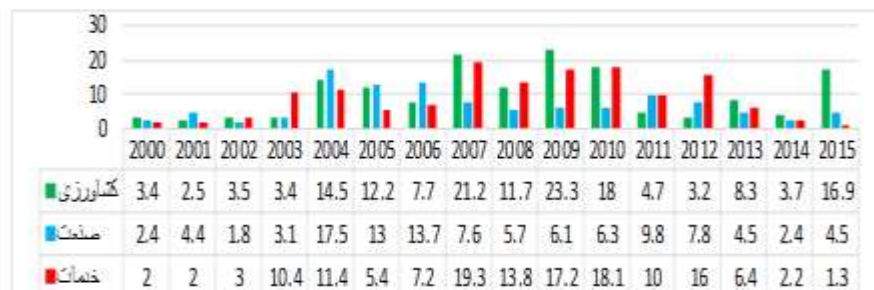


نمودار ۳. رشد تولید ناخالص داخلی

Source: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY. GDP.MKTP.PP. CD?name=GDP, % 20 PPP %20 \(current%20international%20\\$\) #top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY. GDP.MKTP.PP. CD?name=GDP,%20PPP%20(current%20international%20$)#top-result), (Accessed on: 1/4/2018).

در سال ۲۰۰۰ بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۳/۴، ۲/۴ و ۲ درصد رشد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده‌اند (نمودار ۴). به طور میانگین، در سال‌های اخیر، بیشترین سهم در تولید ناخالص داخلی را بخش کشاورزی داشته است. بخش خدمات نیز با کاهش شدید از ۱۷/۲ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۱/۳ درصد در سال ۲۰۱۵ سرنوشت نامناسبی چون بخش صنعت داشته است. گذار از اقتصاد کشاورزی سنتی به اقتصاد نیمه‌صنعتی و در نهایت صنعتی یا حداقل اقتصاد کشاورزی صنعتی از ویژگی‌های اصلی نظام‌های دموکراتیک یا حداقل تثبیت چنین نظام سیاسی برشمرده می‌شود.

1. Gross Domestic Production (GDP)

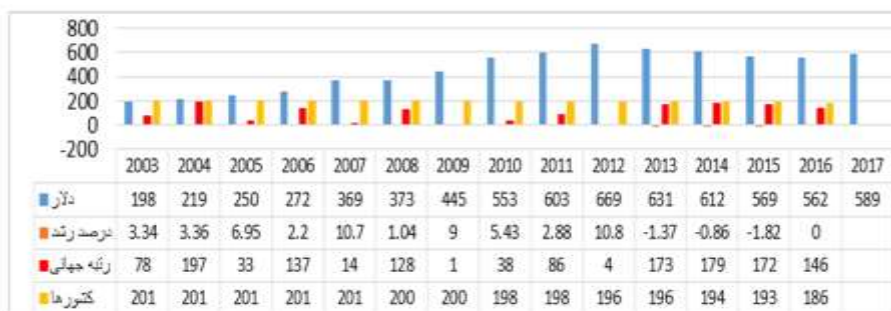


نمودار ۴. رشد تولید ناخالص داخلی به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی

Source: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY.GDP.MKTP.PP.CD?name=GDP,%20PPP%20\(current%20international%20\\$\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY.GDP.MKTP.PP.CD?name=GDP,%20PPP%20(current%20international%20$)#top-result), (Accessed on: 2/4/2018).

۲) درآمد سرانه

درآمد سرانه پایین از شاخص‌های مهم توسعه‌نیافتگی افغانستان تاکنون است (نمودار ۵). این کشور در سال ۲۰۰۳ با درآمد سرانه ۱۹۸ دلار از بین ۲۰۱ کشور در مقام ۷۸ جهان قرار داشت و در سال ۲۰۱۶ با سرانه ۵۶۲ دلار و در بین ۱۸۶ کشور، در جایگاه ۱۴۶ قرار گرفت. درآمد سرانه متغیر مهم تحلیل دموکراسی است. در واقع، درآمد سرانه بالای ۶۰۰ دلار، از سنجش‌های مهم سطح توسعه‌یافتگی و دموکراسی محسوب می‌شود (Leftwich, 2006: 231).



نمودار ۵. سرانه تولید ناخالص داخلی

Source: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.DYN.LE00.IN?name=Life%20expectancy%20at%20birth,%20total%20\(years\)](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.DYN.LE00.IN?name=Life%20expectancy%20at%20birth,%20total%20(years)), (Accessed on: 1/4/2018).

۳) توسعه انسانی

به باور برخی توسعه اقتصادی به‌مثابه توسعه انسانی^۱ است. در شاخص توسعه انسانی،

1. Human Development Index (HDI)

افغانستان در سال ۲۰۰۰ از بین ۱۶۸ کشور، در جایگاه ۱۵۷ قرار داشت و در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ از بین ۱۸۸ کشور، رتبه ۱۶۸ و ۱۶۹ جهان را به دست آورد (نمودار ۶). رتبه‌های جهانی و رشد اندک توسعه انسانی در این پانزده سال، از ۰/۳۴ در سال ۲۰۰۰ به ۰/۴۸ در سال ۲۰۱۵، نشانگر وضعیت نامناسب ابعاد این شاخص یعنی سطح دانش، بهداشت و استانداردهای اولیه زندگی در این کشور است. فقر توسعه انسانی، فقر انسانی توسعه و دموکراسی در افغانستان است. این مسئله در افزایش بزهکاری‌های اجتماعی و ناامنی‌های داخلی این کشور تأثیر بسزایی داشته است.



نمودار ۶. شاخص توسعه انسانی

Source: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=UNDP.HDI?name=Human%20Development%20Index%20\(HDI\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=UNDP.HDI?name=Human%20Development%20Index%20(HDI)#top-result), (Accessed on: 1/4/2018).

۴ فقر

فقر و روند روبه رشد آن مهم‌ترین بحران اقتصادی دامن‌گیر حکومت‌های پسا طالبان بوده است. جمعیت زیر خط فقر^۱ از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵۳ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید. در سال‌های دهه نخست قرن بیست و یکم دولت نتوانست از میزان این جمعیت بکاهد (نمودار ۷). در سال‌های پس از سال ۲۰۱۰ این روند منفی ادامه یافت. این میزان فقر بدان معناست که حدود ۱۳ میلیون از جمعیت ۳۳ میلیونی این کشور نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را تأمین کنند. حدود ۸۱ درصد فقیران افغانستان را روستاییان تشکیل می‌دهند. اکنون، افغانستان دارای «دموکراسی فقیر» است.

1. Population Below Poverty Line

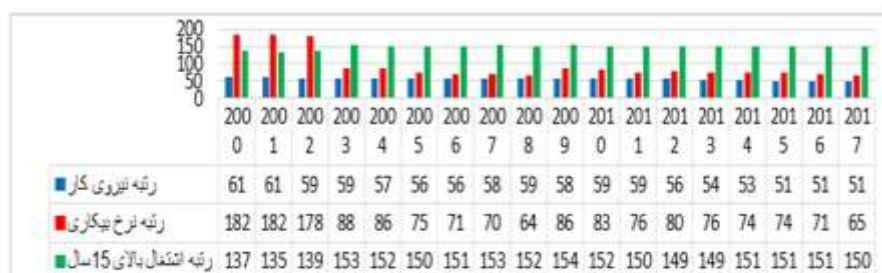


نمودار ۷. جمعیت زیر خط فقر

Source: <http://www.worldbank.org/fa/news/press-release/2017/05/08/gzrsh-fqr-fGnstn-2017> (Accessed on: 5/4/2018).

۵) نرخ بیکاری و اشتغال

رتبه جهانی افغانستان در سال ۲۰۰۰ در نرخ بیکاری نسبت به نیروی فعال^۱، ۱۸۲ بود. اما با افزایش نرخ بیکاری از سال ۲۰۰۲ به بعد این جایگاه به ۸۳ در سال ۲۰۱۰ رسید. در سالهای پس از این نیز دولت نتوانست به نسبت نیروی جویای کار، اشتغال آفرینی کند. در سال ۲۰۱۷ از آنجایی که ۹ درصد جمعیت فعال بیکار بودند افغانستان در این شاخص از بین ۱۸۶ کشور رتبه ۶۵ را تجربه کرد (نمودار ۸). بدین جهت، دولت کابل نتوانسته است از توانایی و فرصت مناسب نیروی کار در راستای توسعه اقتصادی استفاده کند. بنابر گزارش بانک جهانی ملت افغانستان بیکاری و فقر (و نه نبود آزادی) را بزرگترین مشکل خود دانسته‌اند (Worldbank.org, 2017). فقر و بیکاری از علت‌های پیوستن جوانان افغانستان به گروه‌های مسلح ضد دولتی است. در نتیجه، افزایش ناامنی‌ها که سبب فرار سرمایه‌های داخلی و خارجی از این کشور شده است، تأثیر مستقیمی بر وضعیت اشتغال‌زایی داشته است.



نمودار ۸. رتبه جهانی افغانستان در نیروی کار، نرخ بیکاری و اشتغال بالای ۱۵ سال

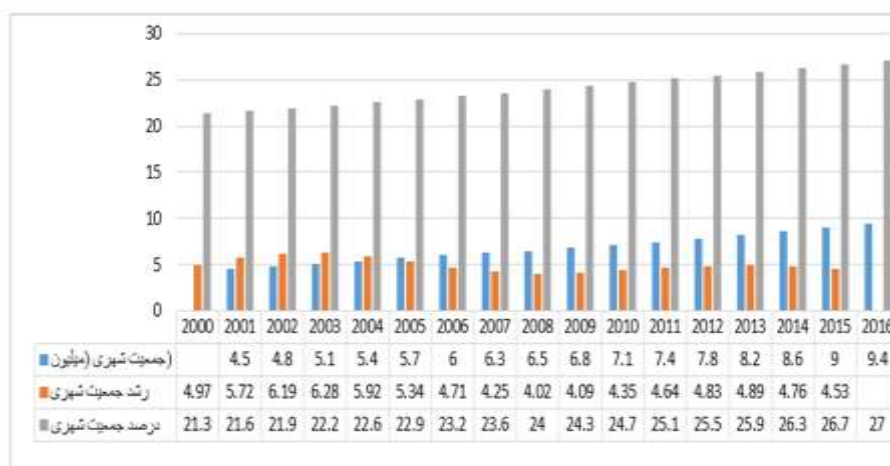
Sources: <http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.TLF.TOTL.FE.ZS?name=Labour>

[http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.UEM.TOTL.ZS?name=Unemployment,%20total%20\(%20of%20total%20labor%20force\)%20\(modeled%20ILO%20estimate\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.UEM.TOTL.ZS?name=Unemployment,%20total%20(%20of%20total%20labor%20force)%20(modeled%20ILO%20estimate)#top-result), (Accessed on: 5/4/2018).

1. Unemployment, total (% of total labor force) (modeled ILO estimate)

۶) شهرنشینی

افغانستان جزو کشورهای برتر در شاخص رشد جمعیت شهرنشینی است؛ به گونه‌ای که در این شاخص در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به ترتیب از بین ۲۱۴ کشور جهان، رتبه‌های ۱۳، ۹، ۵، ۷، ۹، ۱۶، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۳۲، ۲۹، ۲۲، ۱۶، ۱۷، ۱۶، ۱۴ را به دست آورد. جمعیت ۲۱/۳ درصدی شهرنشینی در سال ۲۰۰۰ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت (نمودار ۹). جمعیت کل افغانستان نیز از ۲۰،۰۹۳،۷۵۶ نفر در سال ۲۰۰۰ به ۳۴،۶۵۶،۰۳۲ در سال ۲۰۱۶ رسید. بازگشت مهاجران و افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها به دلیل فقر و بیکاری دو علت اصلی رشد افسارگسیخته جمعیت شهری هستند. اما جمعیت شهری به نسبت جمعیت کل، در جایگاه نامناسبی قرار دارد. در این شاخص، رتبه جهانی ۱۹۶ افغانستان در سال ۲۰۰۰ به ۱۹۱ در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت.



نمودار ۹. وضعیت جمعیت شهری

Sources: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.URB.GROW?name=Urban%20population%20growth%20\(annual%20\)%#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.URB.GROW?name=Urban%20population%20growth%20(annual%20)%#top-result), (Accessed on: 2/4/2018), [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.POP.GROW?name=Population%20growth%20\(annual%20\)%#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.POP.GROW?name=Population%20growth%20(annual%20)%#top-result), (Accessed on: 2/4/2018).

رشد شهرنشینی در افغانستان نه نشانه مثبت توسعه، بلکه بیشتر نمود عینی گسترش حاشیه‌نشینی است. در واقع، رشد شهرنشینی به معنای اصیل آن که ارتباط تنگاتنگی با رشد صنعت دارد، در این کشور رخ نداده است. از سویی، بنابر مهم‌ترین بررسی وضعیت زندگی مردم افغانستان در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، ۷۴ درصد از جمعیت شهری در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند و این روند در شهرهای بزرگ روبه افزایش است (Political

8) Assistance of Afghanistan's Finance Ministry, 2016: رشد حاشیه‌نشینی شهری پیوندی مستقیم با گسترش ناامنی در افغانستان دارد. اگر در گذشته نیروهای مسلح ضد دولت در برخی روستاها پایگاه اجتماعی داشتند، اکنون مناطق فقیرنشین شهری، مکان مناسبی برای گسترش نفوذ و عضوگیری آنان است.

۷. تجارت خارجی

افغانستان در یک‌ونیم دهه اخیر، توازن تجاری مثبت شدیدی را تجربه کرده است. صادرات افغانستان در سال ۲۰۰۸، ۵۶۰/۶ میلیون دلار و در همین سال، میزان واردات ۴/۹ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۶، واردات افغانستان به ۶/۱ میلیارد دلار و صادرات نیز حدود ۶۰۱ میلیون دلار بوده است (نمودار ۱۰). در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ رتبه جهانی این کشور در صادرات به ترتیب ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۴۸، ۱۳۹، ۱۳۱، و رتبه واردات نیز ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۹۸ و ۱۰۳ بوده است. در شرایط کنونی، حجم مجموع تجارت خارجی افغانستان متشکل از ۹۵ درصد واردات و ۵ درصد صادرات است.



نمودار ۱۰. حجم صادرات و واردات افغانستان

Source: [http://world-statistics.org/index-res.php?code=BM.GSR.MRCH.CD?name=Goods%20imports%20\(BoP,%20current%20US\\$\)](http://world-statistics.org/index-res.php?code=BM.GSR.MRCH.CD?name=Goods%20imports%20(BoP,%20current%20US$)), (Accessed on: 5/4/2018).

نتیجه

دموکراسی، به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین قرارداد بین‌المللی تاریخ سیاسی تشکیل دولت در افغانستان و پیونددهنده آن با نظم نوین جهانی، تنها نسخه توسعه این کشور در عصر پساطالبان و در عرصه‌های حکومت‌داری خوب، امنیت و توسعه اقتصادی برآورد شده است. در این نوشتار به تأثیر دموکراسی بر توسعه اقتصادی پرداخته شد.

افغانستان تاکنون دو دوره توسعه‌گرایی را تجربه کرده است: دوره نخست سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ و دوره دوم از سال ۲۰۱۴ به بعد. در این سال‌ها، سهم بخش‌های امنیتی و سیاسی دموکراسی (آزادی و مشارکت) بر بخش اقتصادی آن تقدم یافت. در واقع، توسعه دموکراسی شتاب بسیار بیشتری از توسعه اقتصادی داشته است. آزادی و مشارکت سیاسی از وجوه مثبت

و تأثیرگذار دموکراسی بر توسعه اقتصادی افغانستان محسوب می‌شود. فرایند توسعه اقتصادی در افغانستان همچون دموکراسی، از منظری پدیده‌ای برون‌زا بوده است؛ بدین معنا که طرح‌های کلان توسعه همچون برنامه همبستگی ملی، راهبرد توسعه ملی و میثاق شهروندی با حمایت‌های خارجی و جهت‌دهی نهادهای فراملی و بیشتر در چارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی صورت گرفته است. مؤلفه برون‌زاد بودن طرح‌های اقتصادی بر فرایند توسعه اقتصادی افغانستان تأثیرهای منفی نیز گذاشته است؛ زیرا بسیاری از کمک‌های جهانی مستقل از حکومت مرکزی کابل و برنامه‌ریزان اقتصادی در این کشور هزینه شده است که خود بر فساد اداری و مالی افزوده است. از سوی دیگر، رانت‌های خارجی سبب وابستگی شدید سرنوشت توسعه و دموکراسی افغانستان به بیرون از کشور شده است.

دموکراسی، پنج بحران تقلب انتخاباتی، فساد اداری، اقتصاد رانتی، ناامنی و بنیادگرایی را در افغانستان وارد یا تشدید کرد که هر یک بر فرایند توسعه اقتصادی تأثیرهای منفی گذاشته است. ناامنی که تاکنون عامل توسعه‌نیافتگی افغانستان به شمار آمده است، بیشتر در درون مقوله دموکراسی قابل بحث است. اگرچه دموکراسی می‌تواند زمینه را برای پیوستن مخالفان دولت فراهم کند؛ اما این فرضیه برای طالبان تاکنون درست نبوده است؛ زیرا مبانی هستی‌شناسی این گروه، هیچ سنخیتی با دموکراسی ندارد؛ به‌ویژه آنکه دموکراسی در کشورهایی چون افغانستان زمینه‌ساز تدریجی شدن تفکر بنیادگرایی شد. دموکراسی در افغانستان به یک‌باره سبب حذف دولت پیشین (طالبان) و مخالفت‌های مسلحانه از سوی این گروه مسئله‌ای پیش‌بینی‌پذیر بود. در سال‌های اخیر چون دموکراسی نتوانست طالبان را وارد نظام سیاسی سازد یا نظام جمهوری اسلامی را در نظر آنان مشروع جلوه دهد، در تأمین امنیت ناکام مانده است.

در سال‌های اخیر، افغانستان در شاخص‌های کمی توسعه چون رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و شهرنشینی وضعیت بسیار مناسب‌تری از شاخص‌های کیفی آن داشته است. توزیع ناعادلانه ثروت نیز بر شدت شکاف‌های اجتماعی در افغانستان از جمله شکاف شهر و روستا و شکاف طبقاتی، افزایش جمعیت فقیرنشین گسترده در برابر جمعیت ثروتمند محدود افزوده است. بر این اساس، افغانستان در مسیر رشد و نه توسعه (تاکنون) گام برداشته است. البته رشد اقتصادی باید نشانه مثبتی در توسعه پنداشته شود؛ چراکه رشد ابزار و مجرای نخستین تحقق توسعه اقتصادی است. اما این خوش‌بینی تا آنجا امیدوارکننده است که رشد در بلندمدت به توسعه در افغانستان منجر شود.

رابطه دموکراسی و توسعه اقتصادی را در سال‌های اخیر نمی‌توان رابطه‌ای به‌طور کامل تعارض‌گونه یا سازگارگونه دانست. از آنجا که به‌دنبال دموکراسی، افغانستان شاهد رشد اقتصادی، طرح و پیگیری برنامه‌های کلان ملی و منطقه‌ای بوده است نمی‌توان رابطه آن با توسعه را به‌شکل کامل تعارض‌گونه تلقی کرد؛ اما چون دموکراسی همراه با توزیع ناعادلانه

ثروت و بحران‌های پنج‌گانه فساد، ناامنی، رانت‌خواری، بنیادگرایی و تقلب بوده است؛ بنابراین بیشتر با توسعه، رابطه‌ای ناسازگار داشته است. آنچه می‌تواند بین این دو متغیر پیوندی دوسویه و سازگار برقرار سازد، کارآمدی و تقویت نهاد دولت و نظام دیوان‌سالاری و به دور از جدال‌های ناشی از شکل نظام سیاسی است. از این جهت، مدل نهادی در تبیین مسئله توسعه اقتصادی افغانستان کاربردی‌تر خواهد بود.

References

A) Persian

1. Ahmadi, Mohammad Nabi and Majid Isma'ielzadeh (2014), **Studies on Afghan Democracy; Opportunities and Challenges**, Kabul: Afghanistan Strategic Studies Institute.
2. Arsen, Swant and Yan Eriklin (1999), "Democracy and Development: Statistical Research", in: Adrian Leftwich (1999), **The Book of Democracy and Development**, Translated by Ahmad Aliqoliyan and Afshin Khakbar, Tehran: Tarh-e Now.
3. Boroujerdi Alavi, Mahdokht and Mohsen Habibi (2014), "The Reflection of the Second Presidential Elections in the Press", **Social Sciences**, Vol. 21, No. 64, pp. 187-222.
4. Danesh, Abdullah (2006), "Afghanistan and Democratic Values", **Jamehe Farda**, Vol. 1, No. 3, pp. 205-220.
5. Esma'ieli, Bashir and Qasem Reza'ie (2010), "Contemplation on the Transition of Afghanistan to Democracy", **Political and International Research**, Vol. 2, No. 5, pp. 115-134.
6. Forouzish, Mohammadebrahim (2015), **Liberal Democracy and Nation-State Building in Afghanistan**, Herat: Qods.
7. Isma'ielian, Farid (2015), "SARK and Afghanistan Position", **Economic Journal of the Ministry of Economy of Afghanistan**, No. 1, pp. 12-15.
8. Leftwich, Adrian (2006), **States of Development**, Translated by Javad Afsharkohan, Mashhad: Marandiz and Neginar.
9. Manouchehri, Abbas and Safoura Mazari (2009), "Theoretical Measurement of the New Constitution of Afghanistan with Democracy", **Politics**, Vol. 39, No. 4, pp. 307-322.
10. **Ministry of Economy of Afghanistan** (2014), "Final Report on the Implementation of the Afghanistan National Development Strategy (ANDS) (1391-1387)", Available at: moec.gov.af/Content/files/ANDS%20Completion%20Report%2023%20Sep%202014%20Da ri .pdf, (Accessed on: 25/3/2018).

11. **Ministry of Economy of Afghanistan** (2016), “Afghanistan National Peace and Development Framework (1400-1395)”, Available at: moec.gov.af/en/page/1183/andf, (Accessed on: 16/1/2018).
12. **Ministry of Justice of Afghanistan** (2008), “The Afghanistan National Development Strategy (ANDS)” (2008-2010)”, Available at: moj.gov.af/en/page/legal-frameworks/national-strategies-on-access-to-justice/7930, (Accessed on: 2/2/2018).
13. **Political Assistance of Afghanistan’s Finance Ministry** (2016), “Citizens’ Charter Afghanistan Project (CCAP)”, Available at: policymof.gov.af/da/national-priority-programs/the-new-npps, (Accessed on: 10/5/2018).
14. Sa’ie, Ali and Jafar Mahdavi (2014), “The Analysis of the Process of Democratization in Afghanistan (1907-2008)”, **Historical Sociology**, Vol. 6, No. 11, pp. 1-44.
15. Shafiee, Nozar and Aqdas Iqbal (2010), “The Dilemma of Democracy in Afghanistan”, **Political and International Research**, Vol. 2, No. 3, pp. 197-222.
16. “Sustainable Development Goals in Afghanistan (SDGIA)” (2015), Available at: sdgs.gov.af/176/, (Accessed on: 10/3/2018).
17. Tajik, Mohammadreza (1999), “The Paradox of Security and Development”, in: **The Book of Political Participation, Parties and Elections**, Tehran: Safir.
18. Tajik, Mohammadreza and Alireza Sharifi (2009), “Obstacles to Democracy Discourse in Afghanistan”, **Political Science**, Vol. 12, No. 46, pp. 35-62.
19. Weiner, Myron and Samuel P. Huntington (2000), **Understanding Political Development**, Translated by Research Institute for Strategic Studies, Tehran: Strategic Studies Institute.
20. **World Bank** (2017), “Report of the World Bank on Poverty in Afghanistan”, Available at: worldbank.org/fa/news/press-release/2017/05/08/gzrsh-fqr-fGnstr-2017, (Accessed on: 20/3/2018).
21. Yousefi, Hayatollah (2007), “Afghanistan, Political System and Democracy”, **Marefat**, Vol. 16, No. 115, pp. 127-150.

B) English

1. Barma, Naazneen H. (2006), “Brokered Democracy-Building: Developing Democracy through Transitional Governance in Cambodia, East Timor and Afghanistan”, **International Journal on Multicultural Societies**, Vol. 8, No. 2, pp. 127-161.

2. Barry, Charles L. and Samuel R. Greene (2009), **What Democracy for Afghanistan?**, Washington: the National Defense University Center for Technology and National Security Policy.
3. **Democracy International (DI)** (2011), "Election Observation Mission to Afghanistan Parliamentary Elections 2010", USA: the U.S. Agency for International Development (USAID), Available at: https://democracyinternational.com/media/DI%20Afghanistan%202010%20EOM%20Final%20Report_web.pdf, (Accessed on: 5/4/2018).
4. <http://www.worldbank.org/fa/news/press-release/2017/05/08/gzrsh-fqr-fGnstn-2017>, (Accessed on: 5/4/2018).
5. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY.GDP.MKTP.PP.CD?name=GDP,%20PPP%20\(current%20international%20\\$\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=NY.GDP.MKTP.PP.CD?name=GDP,%20PPP%20(current%20international%20$)#top-result), (Accessed on: 2/4/2018).
6. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=BM.GSR.MRCH.CD?name=Goods%20imports%20\(BoP,%20current%20US\\$\)](http://world-statistics.org/index-res.php?code=BM.GSR.MRCH.CD?name=Goods%20imports%20(BoP,%20current%20US$)), (Accessed on: 5/4/2018).
7. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=UNDP.HDI?name=Human%20Development%20Index%20\(HDI\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=UNDP.HDI?name=Human%20Development%20Index%20(HDI)#top-result), (Accessed on: 1/4/2018).
8. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.TLF.TOTL.FE.ZS?name=Labour%20force,%20female%20\(%20of%20total%20labour%20force\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.TLF.TOTL.FE.ZS?name=Labour%20force,%20female%20(%20of%20total%20labour%20force)#top-result), (Accessed on: 5/4/2018).
9. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.DYN.LE00.IN?name=Life%20expectancy%20at%20birth,%20total%20\(years\)](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.DYN.LE00.IN?name=Life%20expectancy%20at%20birth,%20total%20(years)), (Accessed on: 1/4/2018).
10. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.POP.GROW?name=Population%20growth%20\(annual%20\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.POP.GROW?name=Population%20growth%20(annual%20)#top-result), (Accessed on: 2/4/2018).
11. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.UEM.TOTL.ZS?name=Unemployment,%20total%20\(%20of%20total%20labor%20force\)%20\(modeled%20ILO%20estimate\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SL.UEM.TOTL.ZS?name=Unemployment,%20total%20(%20of%20total%20labor%20force)%20(modeled%20ILO%20estimate)#top-result), (Accessed on: 5/4/2018).
12. [http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.URB.GROW?name=Urban%20population%20growth%20\(annual%20\)#top-result](http://world-statistics.org/index-res.php?code=SP.URB.GROW?name=Urban%20population%20growth%20(annual%20)#top-result), (Accessed on: 2/4/2018).
13. **International Monetary Fund** (2008), "Islamic Republic of Afghanistan: Poverty Reduction Strategy Paper", Report No. 08/153, Washington, D.C., Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2008/cr08153.pdf>, (Accessed on: 25/3/2018).
14. Johnson, Thomas H. (2018), "The Illusion of Afghanistan's Electoral Representative Democracy: the Cases of Afghan Presidential and National Legislative", **Small Wars and Insurgencies**, Vol. 29, No. 1, pp. 1-37.
15. Kingsbury, Damien (2007), **Political Development**, New York: Routledge.

16. Larson, Anna (2011), **Deconstructing Democracy in Afghanistan**, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
17. Moses, Jonathon W. (2012), "Emigration and Political Development: Exploring the National and International Nexus", **Department of Sociology and Political Science**, Vol. 1, No. 1, pp. 123-137.
18. Murid Partaw, Ahmad (2017), "Democratization in Afghanistan: Challenges and Opportunities", **Journal of Political Sciences and Public Affairs**, Vol. 5, No. 1, pp. 1-6.
19. Shah, Ahmad (2012), "The Post 9/11 Democratization in Afghanistan: Challenges and expectations", **International Journal of Social Sciences and Humanity Studies**, Vol. 4, No. 1, pp. 19-32.
20. Smith, Scott S. (2014), "The Future of Afghan Democracy", **International Journal of Security and Development**, Vol. 3, No. 12, pp. 1-9.